

# حروف ربط در انگلیسی: آموزش کامل و لیست جامع

**حروف ربط** کلماتی هستند که برای **پیوند** کلمات، عبارات و جملات به یکدیگر استفاده میشوند. آنها به ساخت جملات پیچیده‌تر و رساتر کمک میکنند و به خواننده در درک بهتر روابط بین اجزای جمله یاری می‌رسانند.

## انواع حروف ربط در انگلیسی:

**همپایه:** این حروف ربط دو جمله یا عبارت **مستقل** را به هم متصل میکنند.

مثال:

من سیب دوست دارم و تو موز دوست داری. *And*.

او به مدرسه میرود اما خواهرش در خانه میماند. *But*.

**حروف ربط وابسته:**

این حروف ربط یک جمله **وابسته** را به یک جمله **مستقل** متصل میکنند.

مثال:

من به سینما میروم چون هوا گرم است. *Because*.

او درسش را خواند تا در امتحان قبول شود. *So that*.

**ربط پیوندی:**

این حروف ربط برای معرفی یک ایده یا اطلاعات جدید استفاده میشوند.

مثال:

در واقع، من دیروز به او زنگ زدم. *In fact*.

علاوه بر این، او یک نویسنده‌ی مشهور است. *Moreover*.

لیست جامع حروف ربط در انگلیسی:

**حروف ربط همپایه:**

و *And*

اما *But*

یا *Or*

نه ... و نه *Nor*

زیرا *For*

بنابراین *So*

هنوز *Yet*

این فایل توسط آموزشگاه زبان ملل، تهیه و تنظیم شده است

However با این حال  
Nevertheless با وجود این  
Moreover علاوه بر این  
In fact در واقع

### حروف ربط وابسته:

Because زیرا  
Since از آنجا که  
After بعد از  
Before قبل از  
When زمانی که  
While در حالی که  
Unless مگر اینکه  
Although اگرچه  
Even though حتی اگر  
Though با اینکه  
As long as تا زمانی که  
In order to به منظور  
So that تا اینکه

### حروف ربط پیوندی:

In fact در واقع  
Moreover علاوه بر این  
Furthermore علاوه بر این  
Besides علاوه بر این  
On the other hand از سوی دیگر  
In contrast در مقابل  
Nevertheless با وجود این  
However با این حال  
At the same time در عین حال  
On the contrary برعکس

### نکات مهم حروف ربط انگلیسی:

- انتخاب حرف ربط مناسب به **معنی** جمله و **رابطه** بین اجزای آن بستگی دارد.
  - **مکان** قرارگیری حرف ربط در جمله میتواند **معنی** جمله را تغییر دهد.
  - **استفاده بیش از حد** از حروف ربط میتواند جمله را **سنگین** و **غیرقابل فهم** کند.
- حروف ربط رایج در انگلیسی | گرامر *conjunction*

**Conjunction:** *and, but, so, because*

حروف ربط در انگلیسی یا بهتر بگوییم کلمات ربط در انگلیسی را یاد بگیریم.

*A conjunction is a word used to connect other words, phrases, and clauses together.*

یک حرف ربط کلمه‌های هست که برای وصل کردن لغات، فریز و عبارات استفاده میشه.

**Common conjunctions:** *and, but, or, because, so*

**حروف ربط رایج** *and, but, or, because, so*

مثال و جمله با حرف ربط *and* در انگلیسی:

**And:** *also, in addition to* "And" is used when the statements are similar.

**And:** همچنین *in addition to* زمانی استفاده میشه که دو جمله شبیه بهم هستند.

He's 10 **and** she's 12.

او ده سالشه **و** او ۱۲ سالش.

My mom **and** dad are teachers.

مامان من **و** بابام معلم هستند.

Jack usually practices the piano **and** plays football on weekends.

1. I went to the market **and** bought some fruit.

معنی: من به بازار رفتم و چند میوه خریدم.

She likes to read books **and** watch movies in her free time.

معنی: او دوست دارد در وقت آزادش کتاب بخواند و فیلم ببیند.

He enjoys swimming in the morning **and** jogging in the evening.

معنی: او از شنا در صبح و دویدن در شب لذت میبرد.

They visited Paris **and** London during their trip to Europe.

معنی: آنها به پاریس و لندن در سفر به اروپا سفر کردند.

I have a dog **and** a cat as pets.

معنی: من یک سگ و یک گربه به عنوان حیوانات خانگی دارم.

در این جملات، حرف ربط "*and*" برای اتصال دو عبارت یا دو عنصر در یک عبارت استفاده شده است.

مثال و جمله با حرف ربط *but* در انگلیسی:

**But:** *However, despite this* "But" is used to connect two opposite ideas.

**But:** از *however, despite this* استفاده میشه "*but*" برای متصل کردن دو ایده متضاد هم استفاده

میشه.

*I love ice cream, **but** he loves apples.*

من بستنی دوست دارم **ولی** او سیب دوست داره.

*It's sunny and hot, **but** I like it.*

آفتابی و خیلی گرمه **ولی** دوستش دارم.

*She's 40 years old, **but** she looks much younger than her real age.*

او ۴۰ سالشه **ولی** خیلی از سن واقعیش جوانتر نظر میاد.

*He studied hard for the exam, **but** he still didn't pass.*

معنی: او برای امتحان سخت مطالعه کرد، اما هنوز نتوانست قبول شود.

*She wants to go to the party, **but** she has a lot of homework to finish first.*

معنی: او میخواهد به مهمانی برود، اما ابتدا باید تعداد زیادی تکالیف خود را تمام کند.

*I'm tired, **but** I still have to clean the house.*

معنی: من خسته هستم، اما هنوز باید خانه را تمیز کنم.

*He lost his job, **but** he's determined to find a new one.*

معنی: او شغلش را از دست داد، اما مصمم است که شغل جدیدی پیدا کند.

*The weather was cold, **but** they went for a walk anyway.*

معنی: هوا سرد بود، اما به هر حال آنها برای قدم زدن رفتند.

**در انگلیسی or مثال و جمله با حرف ربط**

**Or** is used to express choices.

**Or** برای بیان کردن تصمیمها استفاده میشه

*Do you like playing football **or** badminton?*

دوست داری فوتبال بازی کنیم **یا** بدمینتون؟

*Would you like tea **or** juice?*

چای میل دارید **یا** آبمیوه؟

*Who's taller? Michael **or** Tom?*

کی قد بلندتره؟ مایکل **یا** تام؟

*You can choose to study economics **or** pursue a degree in business administration.*

میتوانید انتخاب کنید که اقتصاد را مطالعه کنید یا مدرک در مدیریت کسب و کار بدست آورید.

*We can go to the beach **or** visit the museum, whichever you prefer.*

میتوانیم به ساحل برویم یا به موزه سر بزنیم، هر کدام را که شما ترجیح میدهید.

*You must complete the project by Friday **or** face the consequences.*

شما باید تا جمعه پروژه را تکمیل کنید یا با پیامدها مواجه شوید.

You can have tea **or** coffee with your breakfast.

میتوانید با صبحانه خود چای یا قهوه داشته باشید.

You need to decide now **or** wait until later.

شما باید الان تصمیم بگیرید یا تا بعداً صبر کنید.

### در انگلیسی so مثال و جمله با حرف ربط

**So** is used to link between cause/ reason and results

So استفاده میشه برای اتصال بین چرایی و دلیل و نتیجه.

He's hungry **so** he gets some food.

او گرسنه است **پس** او مقداری غذا میخوره.

The weather isn't very nice **so** we don't go camping.

هوا خیلی خوب نیست **پس** ما اردو یا کمپینگ نمیریم.

He lost the key **so** he couldn't get into his room.

او کلید رو گم کرد **پس** نمیتونه بره داخل اتاقش.

She was tired, so she went to bed early.

معنی: او خسته بود، بنابراین زود به رختخواب رفت.

The weather was bad, so we decided to stay indoors.

معنی: هوا بد بود، بنابراین تصمیم گرفتیم در خانه بمانیم.

He forgot his keys, so he couldn't open the door.

معنی: او کلیدهایش را فراموش کرد، بنابراین نتوانست در را باز کند.

The restaurant was full, so we had to find another place to eat.

معنی: رستوران پر بود، بنابراین مجبور شدیم یک مکان دیگر برای صرف غذا پیدا کنیم.

She loves chocolate, so I bought her a box of chocolates for her birthday.

معنی: او شکلات را دوست دارد، بنابراین برای روز تولدش یک جعبه شکلات برایش خریدم.

در این جملات، "so" برای ارتباط دادن دو عبارت و نتیجهای که از آن به دست میآید استفاده شده است.

### because حروف ربط در انگلیسی | جمله با

**Because** is used to give reasons.

Because برای دلیل دادن استفاده میشه.

She doesn't go to school **because** she's sick.

او به مدرسه نمیرود **چون** مریض است.

**Because** it rains, I wear a raincoat.

**چون** بارون میآید، من کت بارانی میپوشم.

Kate was happy **because** she won the competition.

کیت خوشحال بود چون او مسابقه رو برده بود.

*She couldn't attend the meeting because she was sick.*

معنی: او نتوانست در جلسه شرکت کند چون مریض بود.

*We canceled the picnic because of the bad weather.*

معنی: ما پیک نیک را لغو کردیم به خاطر هوای بد.

*He didn't finish his homework because he was busy studying for the exam.*

معنی: او تکالیف خود را تمام نکرد چون مشغول مطالعه برای آزمون بود.

*They missed the train because they arrived late at the station.*

معنی: آنها قطار را از دست دادند چون دیر به ایستگاه رسیدند.

*The event was postponed because the venue was double-booked.*

معنی: رویداد به تعویق افتاد چون محل برگزاری دوباره رزرو شده بود.

### در انگلیسی nor توضیح حرف ربط

حرف اضافه "nor" بیانگر منفی شدن دو موضوع در جمله است، معمولاً در ارتباط با حرف اضافه "neither" قرار میگیرد. در زیر پنج مثال از استفاده "nor" به همراه "neither" را برایتان آوردهام:

1. She neither called nor texted me.

او نه زنگ زد و نه پیام داد.

2. He neither ate breakfast nor drank coffee this morning.

او نه صبحانه خورد و نه قهوه نوشید صبح امروز.

3. Neither John nor Sarah could attend the meeting.

نه جان و نه سارا میتوانند در جلسه شرکت کنند.

4. They neither accepted nor rejected the offer.

آنها نه پذیرفتند و نه رد کردند پیشنهاد.

5. The movie was neither interesting nor entertaining.

فیلم نه جالب بود و نه سرگرمکننده.

### for حروف ربط در انگلیسی با

حرف اضافه "for" برای اشاره به دلایل، مدت زمان، هدف، یا مقصد مورد استفاده قرار میگیرد. در زیر پنج مثال از استفاده حرف اضافه "for" به همراه توضیح کوتاه آورده شده است:

#### 1. Reason دلیل:

- She apologized for her mistake.

او بابت اشتباه خود عذرخواهی کرد.

#### 2. Duration زمان:

- He studied for three hours.

او سه ساعت مطالعه کرد.

#### 3. Goal هدف:

- They went to the supermarket for groceries.

آنها برای خرید خوراکی به فروشگاه رفتند.

#### 4. Destination مقصد:

- We're heading for the mountains.

ما در راه به سوی کوهها هستیم.

## 5. Beneficiary یا مزایا منافع:

- This medicine is for headaches.

این دارو برای درد سر استفاده میشود.

در این مثالها، "for" به معانی مختلفی استفاده شده است، از جمله برای نشان دادن دلیل، مدت زمان، هدف، مقصد و منافع.

### حروف ربط در انگلیسی | جمله با: because

**Because** is used to give reasons.

**Because** برای دلیل دادن استفاده میشه.

She doesn't go to school **because** she's sick.

او به مدرسه نمیرود **چون** مریض است.

**Because** it rains, I wear a raincoat.

**چون** بارون میآید، من کت بارانی میپوشم.

Kate was happy **because** she won the competition.

کیت خوشحال بود **چون** او مسابقه رو برده بود.

She couldn't attend the meeting **because** she was sick.

معنی: او نتوانست در جلسه شرکت کند چون مریض بود.

We canceled the picnic **because** of the bad weather.

معنی: ما پیک نیک را لغو کردیم به خاطر هوای بد.

He didn't finish his homework **because** he was busy studying for the exam.

معنی: او تکالیف خود را تمام نکرد چون مشغول مطالعه برای آزمون بود.

They missed the train **because** they arrived late at the station.

معنی: آنها قطار را از دست دادند چون دیر به ایستگاه رسیدند.

The event was postponed **because** the venue was double-booked.

معنی: رویداد به تعویق افتاد چون محل برگزاری دوباره رزرو شده بود.

### در انگلیسی yet مثال و جمله با حرف ربط

حرف اضافه "yet" به معنای «تاکنون» یا «هنوز» است و بعضاً در جملات منفی یا پرسشی استفاده میشود. الان میتوانم پنج مثال از استفاده حرف اضافه "yet" را برایتان بیاورم:

I haven't finished my homework yet.

معنی: من هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام.

Has the package arrived yet?

معنی: آیا بسته رسیده است؟

She hasn't eaten lunch yet.

معنی: او هنوز نهار نخورده است.

Have you met Sarah's new boyfriend yet?



معنی: آیا هنوز با دوست پسر جدید سارا آشنا شده‌ای؟

*They haven't decided on a vacation destination yet.*

معنی: آنها هنوز برای مقصد تعطیلات تصمیم نگرفته‌اند.  
مثال و جمله با حرف ربط **However** در انگلیسی:

حرف اضافه **"however"** به معنی «با این حال» یا «به هر حال» است و برای نشان دادن انتقال یا تضاد بین دو ایده یا جمله به کار می‌رود. در ادامه پنج مثال از استفاده این حرف اضافه را برایتان آورده‌ام:

*He studied hard; however, he didn't pass the exam.*

او سخت مطالعه کرد؛ با این حال، آزمون را قبول نشد.

*The weather was hot; however, they decided to go hiking.*

هوا گرم بود؛ با این حال، آنها تصمیم گرفتند برای پیاده‌روی بروند.

*She was tired; however, she continued working late into the night.*

او خسته بود؛ با این حال، او ادامه داد و تا دیر به شب کار کرد.

*The hotel was expensive; however, it had excellent reviews.*

هتل گران بود؛ با این حال، نقدهای عالی داشت.

*The traffic was heavy; however, they arrived at the airport on time.*

ترافیک زیاد بود؛ با این حال، آنها به موقع در فرودگاه رسیدند.

### مثال و جمله با حرف ربط **Nevertheless** در انگلیسی:

حرف اضافه **"nevertheless"** به معنای «با این وجود» یا «با این حال» است و برای اظهار تضاد یا مقایسه بین دو ایده یا وضعیت متفاوت استفاده می‌شود. در زیر پنج مثال از استفاده این حرف اضافه **"nevertheless"** آورده شده است:

1. *She lost her job; **nevertheless**, she remained optimistic about finding a new one.*

معنی: او شغل خود را از دست داد، با این وجود، به یافتن یک شغل جدید امیدوار ماند.

2. *The weather was cold; **nevertheless**, they decided to go for a hike in the mountains.*

معنی: هوا سرد بود، با این حال، آنها تصمیم گرفتند که به کوهستان بروند و پیاده‌روی کنند.

3. *The team encountered several obstacles; **nevertheless**, they managed to complete the project on time.*

معنی: تیم با چندین مانع مواجه شد، با این حال، موفق شدند تا پروژه را به موقع به پایان برسانند.

4. *He was tired after a long day at work; **nevertheless**, he went to the gym for a workout.*

معنی: پس از یک روز طولانی در محل کار خسته بود، با این وجود، به باشگاه رفت و ورزش کرد.

5. *The results were not as expected; **nevertheless**, they provided valuable insights for future research.*

معنی: نتایج به اندازه مورد انتظار نبود، با این حال، نکات مهمی را برای تحقیقات آینده فراهم کردند.

### مثال و جمله با حرف ربط **Moreover** در انگلیسی:

حرف اضافه **"Moreover"** به معنای «علاوه بر این» یا «به علاوه» است و برای اضافه کردن یک نکته یا ایده دیگر به جمله استفاده می‌شود. در زیر پنج مثال از استفاده این حرف اضافه به همراه ترجمه آورده شده است:



*She is a talented musician. Moreover, she excels in mathematics.*

معنی: او یک موسیقیدان با استعداد است. علاوه بر این، در ریاضیات هم برجسته است.

*The company offers competitive salaries. Moreover, it provides excellent health benefits.*

معنی: شرکت حقوق رقابتی ارائه میدهد. به علاوه، مزایای بهداشتی عالی نیز فراهم میکند.

*He is fluent in French. Moreover, he is proficient in Spanish.*

معنی: او در زبان فرانسوی مسلط است. علاوه بر این، در زبان اسپانیایی ماهر است.

*The restaurant serves delicious food. Moreover, it offers impeccable service.*

معنی: رستوران غذاهای خوشمزه ارائه میدهد. علاوه بر این، خدمات بینقصی ارائه میکند.

*The project was completed on time. Moreover, it was under budget.*

معنی: پروژه به موقع تکمیل شد. علاوه بر این، هزینهها زیر بودجه بود.

### در انگلیسی *In fact* مثال و جمله با حرف ربط با

حرف اضافه "*in fact*" برای بیان این استفاده میشود که یک اظهاریه یا حقیقتی را تأیید یا تکمیل کند. در زیر پنج مثال از استفاده این حرف اضافه با ترجمهی آن آمده است:

*In fact, she is an excellent cook.*

معنی: در واقع، او یک آشپز عالی است.

*The meeting was, in fact, rescheduled for next week.*

معنی: جلسه، در واقع، برای هفته آینده دوباره زمانبندی شد.

*He said he would arrive early, but in fact, he was late.*

معنی: او گفت که زودتر خواهد رسید، اما در واقع، دیر آمد.

*She claimed to have read the entire book, but in fact, she only skimmed through it.*

معنی: او ادعا کرد که کتاب را کاملاً خوانده است، اما در واقع، فقط به سرعت آن را مرور کرده بود.

*The project seemed simple at first, but in fact, it was quite complex.*

معنی: پروژه در ابتدا ساده به نظر میرسید، اما در واقع، بسیار پیچیده بود.

### مثال و جمله با حرف ربط با *Since* در انگلیسی:

- حرف اضافه "*since*" به معنای «از آن زمان که»، «زیرا» یا «به علت» است. الآن پنج مثال از استفاده حرف اضافه "*since*" را برایتان آوردهام:

*I haven't seen her **since** Monday.*

معنی: او را از دوشنبه ندیدهام.

*He's been studying **since** morning.*

معنی: او از صبح دارد درس میخواند.

*We've been friends **since** childhood.*

معنی: ما از دوران کودکی دوست هم هستیم.

*She's been absent from work **since** last week.*

معنی: او از هفته گذشته از کار غایب بوده است.

The road has been closed **since** the accident.

معنی: جاده از زمان حادثه بسته شده است.

### مثال و جمله با حرف ربط **After** در انگلیسی:

- حرف اضافه "**after**" به معنای «بعد از» یا «پس از» است و برای نشان دادن رابطه زمانی بین دو رویداد یا واقعه استفاده میشود. در ادامه پنج مثال از استفاده این حرف اضافه به همراه ترجمه آن آورده شده است:

1. She arrived home **after** midnight.

او بعد از نیمهشب به خانه رسید.

2. We went for a walk in the park **after** lunch.

ما بعد از ناهار برای پیادهروی به پارک رفتیم.

3. **After** the rain stopped, we went outside.

بعد از اینکه باران متوقف شد، به بیرون رفتیم.

4. He always brushes his teeth **after** meals.

او همیشه بعد از غذا دندانهایش را مسواک میزند.

5. They watched a movie **after** dinner.

آنها بعد از شام یک فیلم تماشا کردند.

### مثال و جمله با حرف ربط **Before** در انگلیسی:

- حرف اضافه "**before**" به معنای «پیش از» یا «قبل از» است. الآن میتوانم به شما پنج مثال از استفاده این حرف اضافه بدهم:

She always brushes her teeth **before** going to bed.

معنی: او همیشه دندانهایش را قبل از خواب مسواک میکند.

Please finish your homework **before** dinner.

معنی: لطفاً تکالیف خود را قبل از شام تمام کنید.

He checks his email **before** leaving for work.

معنی: او قبل از رفتن به کار ایمیل خود را چک میکند.

I need to buy some groceries **before** the store closes.

معنی: من باید قبل از بسته شدن فروشگاه کمی خرید کنم.

Let's meet **before** the movie starts.

معنی: بیایید قبل از شروع فیلم دیدار کنیم.

### مثال و جمله با حرف ربط **Unless** در انگلیسی:

- حرف اضافه "**unless**" به معنی «مگر اینکه» یا «مگر اینکه...نه» است. این حرف اضافه معمولاً برای بیان یک شرط منفی یا یک شرط که انتظار میرود نادیده گرفته شود، استفاده میشود. در زیر پنج مثال از جملات با استفاده از حرف اضافه "**unless**" آمده است:

I won't go outside **unless** it stops raining.

معنی: من بیرون نخواهم رفت مگر اینکه باران بندازد.

She won't eat dessert **unless** it's chocolate cake.

معنی: او دسر نمیخورد مگر اینکه کیک شکلاتی باشد.

*They won't start the game **unless** all players arrive.*

معنی: آنها بازی را شروع نخواهند کرد مگر اینکه همه بازیکنان برسند.

*He won't buy a new car **unless** he gets a raise at work.*

معنی: او ماشین جدید نخریده خواهد شد مگر اینکه در محل کارش افزایش حقوق بگیرد.

*The store won't refund your money **unless** you have the receipt.*

معنی: فروشگاه پول شما را برنمیگرداند مگر اینکه رسید را داشته باشید.

### مثال و جمله با حرف ربط **Although** در انگلیسی:

- حرف اضافه "**although**" به معنای «اگرچه» یا «هر چند که» است. الآن میتوانم پنج مثال از استفاده این حرف اضافه را برایتان بیاورم:

*Although it was raining, they decided to go for a walk.*

معنی: اگرچه باران میبارید، آنها تصمیم گرفتند برای پیادهروی بروند.

*Although he studied hard, he didn't pass the exam.*

معنی: هر چند که او سخت مطالعه کرد، اما آزمون را نداد.

*Although she was tired, she stayed up late to finish her project.*

معنی: اگرچه او خسته بود، اما شب را بیدار ماند تا پروژه خود را تمام کند.

*Although the restaurant had good reviews, the food was disappointing.*

معنی: هر چند که رستوران نقدهای خوبی داشت، اما غذا ناامیدکننده بود.

*Although he had a lot of experience, he didn't get the job.*

معنی: اگرچه او تجربه زیادی داشت، اما شغل را نگرفت.

### مثال و جمله با حرف ربط **Even though** در انگلیسی:

حرف اضافه "**even though**" به معنی «اگرچه» یا «با این حال» است و برای بیان تضاد بین دو موضوع یا واقعیت استفاده میشود. البته، میتوان این عبارت را به معنی «هر چند که» نیز ترجمه کرد. الآن پنج مثال از استفاده از حرف اضافه "**even though**" را برایتان میآورم:

*Even though it was raining, we decided to go for a walk.*

معنی: با این حال که باران میبارید، تصمیم گرفتیم برای قدم زدن برویم.

*Even though she studied hard, she didn't pass the exam.*

معنی: با این حال که او سخت مطالعه کرد، در آزمون نمره قبولی نگرفت.

*Even though he had a fever, he still went to work.*

معنی: با این حال که تب داشت، هنوز هم به کار رفت.

*Even though the movie had bad reviews, it was quite successful at the box office.*

معنی: با این حال که فیلم نقدهای بدی داشت، در صندوق فروش کاملاً موفق بود.

*Even though they were exhausted, they kept hiking until they reached the summit.*

معنی: با این حال که خسته بودند، تا رسیدن به قله ادامه دادند.

مثال و جمله با حرف ربط **though** در انگلیسی:

حرف اضافه "**though**" معمولاً به معنای «اگرچه»، «اما» یا «با این وجود» در انگلیسی به کار میرود. در زیر

پنج مثال از استفاده این حرف اضافه را به شما می‌آورم:

*She decided to go out, **though** it was raining heavily.*

معنی: او تصمیم گرفت بیرون برود، اگرچه باران شدید می‌بارید.

*He is very busy these days, **though** he still finds time for his hobbies.*

معنی: او این روزها بسیار مشغول است، اما با این حال هنوز زمانی برای سرگرمیهایش پیدا میکند.

***Though** he is young, he is very talented.*

معنی: اگرچه او جوان است، او بسیار با استعداد است.

*She didn't win the competition, **though** she performed exceptionally well.*

معنی: او در مسابقه برنده نشد، اما با این حال عملکرد بسیار برجسته‌ای داشت.

*The movie received mixed reviews, **though** it was well-directed and acted.*

معنی: این فیلم نقدهای مختلفی دریافت کرد، اما با این حال کارگردانی و بازیگری خوبی داشت.

### مثال و جمله با حرف ربط **As long as** در انگلیسی:

”**As long as**” به معنای «تا زمانی که» یا «فقط وقتی که» است و معمولاً برای بیان شرایط یا مقررات استفاده میشود. الآن میتوانم پنج مثال از استفاده این عبارت را برایتان بیاورم:

*As long as you finish your homework, you can play video games.*

معنی: تا زمانی که تکالیفت را تمام کنی، میتوانی بازی ویدیویی کنی.

*You can borrow my car as long as you promise to fill up the gas tank afterward.*

معنی: میتوانی از ماشینم قرض بگیری تا زمانی که پس از آن قول بدهی مخزن بنزین را پر کنی.

*You're welcome to stay here as long as you keep the noise down.*

معنی: به اینجا خوش آمدید تا زمانی که صداها را کم نگه دارید.

*You can use the pool as long as you don't dive into the shallow end.*

معنی: میتوانی از استخر استفاده کنی تا زمانی که به سمت کم عمق شنا نکنی.

*You can take the day off work as long as you make up the hours later in the week.*

معنی: میتوانی یک روز مرخصی بگیری تا زمانی که ساعتها را در اواخر هفته جبران کنی.

### مثال و جمله با حرف ربط **In order to** در انگلیسی:

”حرف اضافه **in order to**” به معنی «برای» یا «تا به منظور» است و برای بیان هدف یا دلیل یک عمل یا وضعیت استفاده میشود. الآن میتوانم پنج مثال از استفاده این حرف اضافه را برایتان بیاورم:

*She studied hard in order to pass the exam.*

معنی: او سخت مطالعه کرد تا آزمون را قبول شود.

*He saved money in order to buy a new car.*

معنی: او پول صرفه جویی کرد تا یک ماشین جدید بخرد.

*They started early in order to avoid traffic.*

معنی: آنها زود شروع کردند تا از ترافیک جلوگیری کنند.

*I wrote a to-do list in order to organize my tasks.*

معنی: من یک لیست کارها نوشتم تا کارهایم را سازماندهی کنم.

*They hired a tutor in order to improve their English skills.*